

نقش صلاح الدین ایوبی در جنگهای صلیبی

دکتر مصطفی پیرمردیان

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

محمد فریدونی نسب

کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

علی اصغر زنگویی فرد

کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

چکیده

در این پژوهش نقش صلاح الدین ایوبی در جنگهای صلیبی با فرنگیان بررسی شده است و بعد از پرداختن مختصر به شخصیت و زندگی صلاح الدین به شکل‌گیری دولت ایوبی و به قدرت رسیدن وی و سپس آغاز جنگهای او با اروپاییان و فتح بیت المقدس و دیگر شهرهای فلسطین پرداخته‌ایم. تا حدی جنگهای وی را به صورت دقیق بررسی می‌کنیم تا بتوانیم ذره‌ای از شمه نظامی وی را نشان دهیم. صلاح الدین به عنوان یک فرمانروای اسلامی نقش مهم و کلیدی در جنگهای صلیبی داشته و از مهم‌ترین اقداماتش آزادسازی بیت المقدس از تصرف فرنگیان می‌باشد. آنچه بیش از همه می‌توان در توصیف شخصیت این فرد گفت، سیاست مداری، نظامی‌گری و در عین حال داشتن روحیه مذهبی قوی و داشتن عظوفت انسانی است، تا حدی که از طرف خود اروپاییان هم به خاطر این خصلت‌هایش مدح شده است. ما سعی داریم این اعمال و رفتار صلاح الدین را بخصوص چگونگی آزادسازی بیت المقدس را با تحلیل و تبیین تاریخی مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم. روش تحقیق در این پروژه کتابخانه‌ای می‌باشد و از منابع معتبر تاریخی استفاده گردیده است.

کلید واژگان: مسلمانان، فرنگیان، صلاح الدین، بیت المقدس

دوران جنگ های صلیبی از مهم ترین دوره های تاریخ اسلام می باشد زیرا اسقف ها و راهبان مسیحی با هدف دست یافتن بر بیت المقدس به عنوان مزار حضرت مسیح (ع) و به قصد استیلای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بر خاورمیانه در مرحله اول فلسطین را به عنوان قلب جهان اسلام، تصرف نمودند و در مراحل بعد به دنبال تصرف و استیلای تدریجی بر مصر به عنوان سرزمین استراتژیک و شام و عراق بودند که با مقاومت قهرمانانه مسلمانان مواجه گردیدند و از تأثیرگذارترین و مهمترین این حاکمان و فرماندهان که در مقابل اروپائیان مقاومت کرد و شکست های سنگینی را بر آنان تحمیل کرد صلاح الدین ایوبی بود. او با مجاهدت و صلابت و پیگیری و جان فشانی با فرنگیان به نبرد پرداخت و سرانجام توانست در سال ۵۸۳ هجری شهر بیت المقدس محل اسراء و معراج پیامبر گرامی اسلام (ص) و قبله اول مسلمانان را از تصرف فرنگیان آزاد سازد. صلاح الدین با فرنگیان مغلوب بر اساس اصول رحمت و شفقت اسلامی برخورد نمود و این در صورتی است که فرنگیان در حمله و اشغال بیت المقدس با ساکنان شهر رفتار وحشیانه ای نموده بودند و جنایات زیادی در حق مردم مرتکب گردیدند. درباره جنگ های صلیبی بحث های زیادی صورت گرفته و تحقیقاتی به عمل آمده است، ولی در مورد نقش صلاح الدین ایوبی که یکی از تأثیرگذارترین شخصیت های جنگ های صلیبی می باشد کمتر کاری صورت گرفته است، که ما در این پژوهش به این کار پرداخته ایم.

شخصیت و زندگی صلاح الدین ایوبی

صلاح الدین (متوفی ۵۸۹ هجری) نام اصلیش یوسف و شهرتش ایوبی است. وی فنون سوارکاری و تیراندازی را در خدمت پدرش نجم الدین و رموز فرماندهی را در رکاب عمویش؛ شیرکواسدالدین (متوفی ۵۶۴ هجری) فراگرفت. صلاح الدین جوانی خوش سیم، نیکو سیرت و سخاوتمند و جوانمرد بود. از مختصات اخلاقی وی یکی سخای فوق العاده و دیگری تواضع و بخشش در مقابل دشمن مغلوب بود چنانکه با دشمن شکست خورده با مهربانی و ملاطفت رفتار می کرد و حرمت زنان را رعایت می نمود و اطفال را مورد نوازش قرار می داد هرگز شیبخون نمی زد و از راه غافلگیری بر دشمن نمی تاخت. گاهی آب و آذوقه و دارو و طیب برای دشمن محاصره شده می فرستاد نسبت به عهود و موثیق سخت پای بند بود و به امضاهاش احترام می گذاشت. قلبی مهربان داشت و به هنگام فتح سرزمین ها هرگز فرمان قتل عام صادر نمی کرد و به

افراد غیر نظامی آزار نمی‌رسانند. با اسرای فرنگی ملاحظت می‌کرد و نیازهایشان را برآورده می‌کرد و جوانمرد و با فتوت بود. (۱) وی در سال ۵۸۹ هجری در دمشق بیمار شد و در نیمه شب چهارشنبه بیست و هفتم ماه صفر از دنیا رفت. پس از مرگ صلاح‌الدین همین که خزاننش را بررسی کردند، به جزء هفده درهم چیزی نیافتند. صلاح‌الدین سخاوتمند، نیکوکار، شجاع، صبور، بردبار، مهربان، حامی محرومان و ضعفاء و از مردان کمیاب و کم نظیر زمان خویش بود. مردم از مرگ صلاح‌الدین اندوهناک شدند زیرا وی را دوست داشتند. او شخصی محبوب نزد مردم بود. (۲)

از تشکیل دولت ایوبی تا فتح بیت المقدس

(در حکومت فاطمی مصر خلیفه دارای قدرت کم و وزرا نقش اساسی را در اداره ی حکومت در اختیار داشتند . ضرغام از امراء مصر شاور وزیر ارمنی (متوفی ۵۶۴ هجری) دولت فاطمی را عزل نمود ، شاور نیز از امیر دولت زنگی شام ؛ نورالدین محمود درخواست کمک نمود . صلاح الدین ایوبی و عمویش شیرکو اسد الدین و پدرش نجم الدین از امراء دولت زنگی شام بودند . صلاح‌الدین ایوبی اولین بار در ماه جمادی الاول سال ۵۵۹ هجری به همراه عمویش اسدالدین از سوی نورالدین محمود زنگی به مصر رفت تا به وزیر العاضد خلیفه فاطمی مصر « شاور » در مقابل رقبیش « ضرغام » کمک کند. او اسدالدین ضرغام را شکست داد و شاور را به منصب وزارت بازگرداند. اسدالدین شیرکوه منتظر ماند تا شاور به وعده هایش عمل کند ولی شاور به او خیانت کرد و از آنچه قرار گذاشته بود سرپیچید. شیرکوه شهر بلبیس را تسخیر نمود، شاور از فرنگیان استمداد نمود، فرنگیان که یقین داشتند اگر نورالدین زنگی بر مصر دست یابد آنان را نابود خواهد ساخت به یاری او شتافتند و به طمع تصرف شهرهای مصر افتادند. شاور ضمناً به فرنگیان وعده داده بود مبالغی نیز به پاداش این کمک به آنان بپردازد بدین جهت فرنگیان به سوی مصر رفتند. (۳) سربازان مصری و فرنگی با هم اجتماع نمودند اما نتوانستند بر اسدالدین شیرکوه دست یابند در آن هنگام به فرنگیان خبر رسید که نورالدین فرنگیان را شکست داده و بر قلعه حارم در شام مسلط شده و از آنجا روانه بانیاس در شام گردیده، فرنگیان مجبور شدند به شهرهای خود بازگردند و آنجا را حفظ کنند و با اسدالدین شیرکوه ترک مخاصمه نمایند. شیرکوه که نمی‌دانست نورالدین محمود در شام با فرنگیان چه کرده است و از طرف دیگر خواربار و ذخائر لشکرش نیز پایان یافته بود در ماه ذی‌الحجه همان سال از شهر بلبیس در مصر خارج گردید و به شام بازگشت. (۴)

در سال ۵۶۲ هجری نورالدین زنگی بار دیگر امیر اسدالدین شیرکوه و برادرزاده اش صلاح الدین را با سپاهی نیرومند و گروهی از سرداران خویش به مصر فرستاد. در ماه جمادی الاخر شیرکوه با سپاهیان متحد مصری و فرنگی تحت امر شاور جنگید در این جنگ صلاح الدین ایوبی فرمانده قلب لشکر اسدالدین بود. فرنگیان شکست خوردند و بسیاری از آنان به قتل رسیدند. (۵) سپس برخی سرداران اسدالدین به وی توصیه نمودند که به شام بازگردد ولی برادرزاده اش صلاح الدین او را تحریک به ادامه جنگ نمود. اسدالدین به اسکندریه در مصر رفت و صلاح الدین را به حکومت اسکندریه گمارد و خود به صعيد مصر مراجعت کرد. آملریک پادشاه فرنگیان از قاهره به سوی اسکندریه رفت و در آنجا نیز با وی صادقانه همکاری کردند از این رو محاصره مدتی دوام یافت و قحطی شدیدی در شهر پدید آمد. اسدالدین شیرکوه با لشکرش به کمک صلاح الدین رسید و قشون فرنگی را شکست داد. شاور به اسدالدین پیشنهاد صلح داد، اسدالدین شیرکوه با تقاضای صلح موافقت کرد و با گرفتن مبلغ پنجاه هزار دینار حاضر به ترک مصر شد به شرطی که فرنگیان نیز مصر را ترک نمایند. فرنگیان این شرط را پذیرفتند و شیرکوه به شام بازگشت. آملریک پادشاه فرنگی با شاور (وزیر دولت فاطمی) قراردادی بست که به موجب آن مقرر شد که یک نفر از فرنگیان به عنوان داروغه و لشکری از فرنگیان در مصر بمانند تا از لشکرکشی نورالدین زنگی به شهر قاهره جلوگیری کنند. همچنین از در آمد مصر نیز سالی یکصد هزار دینار به فرنگیان برسد. (۶) فرنگیانی که در مصر باقیمانده بودند به مسلمانان ظلم می کردند و با بیدادگری فرمان می راندند و همچنین آنها بر شهرهای مصر مسلط شده بودند. در ماه ربیع الاول سال ۵۶۴ هجری اسدالدین شیرکوه همراه برادرزاده اش صلاح الدین با لشکری که نورالدین محمود بن زنگی در اختیارش گذاشته بود به سرزمین مصر رفت. شاور وزیر دولت مصر با فرنگیان متحد بود و از جمع آوری مبلغ مورد نظر فرنگیان عاجز ماند و شیرکوه اسدالدین و برادرزاده اش صلاح الدین فرنگیان را از مصر خارج نمودند و خلیفه مصر «العالمند» در جمادی الاخر همان سال اسدالدین را به وزارت مصر منصوب نمود. مردم مصر هم هوادار اسدالدین شیرکوه ایوبی بودند. شاور مخالف اسدالدین بود و راجع به وعده هایی که به وی داده بودند وقت گذرانی و امروز و فردا می کرد حتی قصد زندان نمودن اسدالدین شیرکوه را داشت. (۷) سپاهیان نورالدین وقتی، وقت گذرانی و امروز و فردا کردن و فریب کاری شاور را دیدند نگران شدند بدین جهت صلاح الدین با همدستی سرداران دیگر، شاور را دستگیر نمود و به زندان انداخت. خلیفه مصر العاضد پیام نزد شیرکوه ایوبی می فرستاد و درخواست قتل شاور را می نمود و چون پیک پشت پیک از سوی خلیفه می

رسید شیرکوه ناچار در تاریخ هفدهم ربیع الآخر همان سال شاور را به قتل رساند. (۸) در همان سال اسدالدین شیرکوه درگذشت و خلیفه فاطمی مصر صلاح الدین ایوبی را به مقام وزارت منصوب نمود. خلیفه فاطمی مصر در قاهره درگذشت و خلافت فاطمیان پایان یافت. صلاح الدین به قلعه شوبک در جنوب بحریت لشکر کشید و آنجا را محاصره نمود ولی نتوانست آن را فتح نماید و به مصر بازگشت. (۹) سپس حکومت مصر به صلاح الدین ایوبی رسید و حکومت شام با مصر در مقابل فرنگیان متحد گردید و جنگ های صلاح الدین با فرنگیان آغاز گردید. در سال ۵۷۰ هجری آملریک پادشاه فرنگی، از بیت المقدس به مصر لشکر کشی نمود و بندر دمیاط را پنجاه و دو روز محاصره نمود. صلاح الدین بهترین سپاهیان خویش را برای دفاع از دمیاط گماشته بود آنان فرنگیان را شکست سختی دادند و ماشین های جنگی و کشتیهایشان را آتش زدند. فرنگیان به علت اینکه از نظر آذوقه در تنگنا قرار گرفتند و بارندگی شدید اردوگاه فرنگیان را تبدیل به باتلاق نموده بود توانایی جنگ را نداشتند اما صلاح الدین فرصت یافته بود که انبارهای گندم را در دمیاط ذخیره نماید. فرنگیان حاضر به مذاکرات برای صلح شدند و غرامت سنگینی پرداختند و سرزمین مصر را تخلیه کردند. این ماجرا بر عظمت صلاح الدین افزود. (۱۰) در بیست و پنجم ماه ژوئیه سال ۱۱۷۴ میلادی فرنگیان با ناوگانی مرکب از دویست و هشتاد و چهار کشتی تحت فرماندهی «تانکرد کنت لچه» قصد حمله به اسکندریه را داشتند و چون از غافلگیر کردن ساکنان شهر مایوس شده بودند به مجرد اطلاع از حرکت صلاح الدین به سوی اسکندریه حرکت کردند و در ماه اوت با کشتیهایشان از اسکندریه نیز رفتند. (۱۱) صلاح الدین در ماه جمادی الاول سال ۵۷۳ هجری از مصر به سواحل شام رفت تا به رمله رسید و با لشکر فرنگیان روبرو گردید و جنگ سختی درگرفت، بسیاری از مسلمانان مانند احمد پسر تقی الدین برادرزاده صلاح الدین به شهادت رسید و «فقیه عیسی هکاری» به اسارت فرنگیان درآمد و صلاح الدین مجبور به بازگشت به مصر گردید. (۱۲) در ماه ذی القعدة سال ۵۷۴ هجری فرنگیان به توابع شهر دمشق حمله نمودند و آنجا را غارت کردند و گروهی را کشتند و زنان و کودکان را به اسارت گرفتند. صلاح الدین برادرزاده اش فرخ شاه را با گروهی سرباز به سوی آنان فرستاد ضمناً از وی خواست وقتی که به فرنگیان نزدیک شدند نامه ای به او بنویسد و این خبر را به وسیله کبوتر نامه بر برای وی بفرستد همچنین به وی توصیه کرد به مردم شهرهای شام دستور دهد که از دسترس فرنگیان خود را دور نگه دارند فرخ شاه ایوبی رشته جنگ را بدست گرفت و در نتیجه جانبازی او فرنگیان شکست خوردند. از سرکردگان فرنگیان مانند امیر «هنری» فرانسوی کشته شدند در صورتیکه لشکر فرخ شاه

به هزار سوار نمی رسید. (۱۳) در ماه ربیع الاول سال ۵۷۵ هجری صلاح الدین ایوبی دژ فرنگیان را محاصره نمود و لشکریان خویش را در سرزمیان فرنگیان پراکند تا به آن نواحی حمله برند لشکریان صلاح الدین به سوی قلعه پیشروی کردند و جنگ سختی درگرفت. لشکر ایوبی محوطه بیرونی قلعه را به تصرف در آورد و فرنگیان عقب نشستند و به درون قلعه رفتند. فرنگیان در طبریه برای کمک به ساکنان دژ فرنگی گرد آمده بودند ولی سرانجام روز پنج شنبه که شش روز به پایان ربیع الاول مانده بود دیوار دژ فرو افتاد و مسلمانان به زور قهر وارد دژ شدند و همه فرنگیان دژ را اسیر کردند و مسلمانانی را که در اسارت فرنگیان بودند آزاد ساختند. صلاح الدین با اسیران فرنگی به دمشق بازگشت و فرنگیانی که در طبریه گرد آمده بودند هنگامیکه خبر تصرف دژ را شنیدند دلسرد گردیدند و به شهرهای خویش بازگشتند. (۱۴) در سال ۵۷۶ هجری صلاح الدین ایوبی با فرنگیان قرار متارکه موقت جنگ گذاشت. (۱۵) (ارناط) امیر فرنگی امارت کرک شخصی خود سرو جاه طلب بود و نسبت به اسلام و مسلمانان در دل کینه داشت و قصد داشت با اقدامات جنگ طلبانه و تجاوز گری خویش در میان فرنگیان وامرای آنان جایگاهی به دست آورد به همین دلایل در سال ۵۷۷ هجری «ارناط» فرنگی فرمانروای «کرک» قرار متارکه جنگ را نقص نمود و قصد حمله به حریم شریفین را نمود و کاروان تجاری مصریان را هم غارت نمود و افراد آن را به اسارت گرفت و شکنجه نمود و به پیامبر اسلام (ص) دشنام داد. صلاح الدین هنگامیکه از این ماجرا آگاه گردید ناراحت شد و در حالیکه اشک در دیدگانش حلقه زده بود رو به آسمان کرد و گفت «خدایا من با تو عهد می کنم که اگر فرصتی نصیبم کنی تا این مرد هتاک و بی شرم که به ساحت مقدس پیامبر (ص) تو جسارت ورزیده است دست یابم او را با دست خود به درکات اسفلین می فرستم». (۱۶) در ماه ربیع الاول سال ۵۷۸ هجری صلاح الدین ایوبی برای جنگ با فرنگیان به سوی طبریه روانه گردید و در «اقحوانه» نزدیک طبریه اردو خویش را برپا ساخت فرنگیان نیز در طبریه اردو زدند. صلاح الدین، فرخ شاه برادرزاده اش را به «بیسان» در شرق فلسطین فرستاد. فرخ شاه فرنگیان را شکست داد و بیسان و سپس شهر غور را تصرف نمود. فرنگیان به پای جبل کوکب آمدند و در جنگ پیش دستی کردند، صلاح الدین ایوبی به دو برادرزاده اش تقی الدین و فرخ شاه دستور داد که با فرنگیان مواجه شوند آنان نیز به فرنگیان حمله نمودند و جنگ سختی درگرفت و فرنگیان عقب نشینی نمودند و به پادگان خود در «غغریلا» اردو زدند. صلاح الدین وقتی چنین دید پیروزی در این حد را غنیمت شمرد و به دمشق بازگشت. (۱۷) در سال ۵۷۸ هجری صلاح الدین ایوبی با کمک ناوگان دریایی مصر چند روز بیروت را در محاصره گرفت ولی

سرانجام چون نتوانست آنجا را تصرف نماید دست از محاصره شهر بیروت برداشت. (۱۸) در سال ۵۷۹ هجری صلاح‌الدین پس از تجهیز سپاه برای پیکار به سوی شهرهای فرنگیان روانه گردید و در تاریخ نهم جمادی الاخر از نهر اردن گذشت و از آنجا به شهر بیسان رفت و بسیاری از فرنگیان را کشت و آنجا را تصرف نمود. فرنگیان به کوهی که در آنجا بود پناهنده شدند و خندقی گرداگرد خویش کردند. صلاح‌الدین آنان را محاصره نمود و تیرباران کرد ولی فرنگیان از پایگاه خویش بیرون نیامدند و پنج روز در آنجا همچنان ماندند. در هفدهم جمادی الاخر نیروهای صلاح‌الدین بازگشتند و به گمان آنکه شاید پس از رفتن به طمع حفظ اموال خود از دستبرد مسلمانان از جایگاه خویش خارج شوند و فرنگیان را از پای درآوردند اما جزیه حفظ جان خود به چیز دیگری دلبستگی نیافتند. لشکریان صلاح‌الدین به نواحی فرنگیان حمله نمودند و با غنائمی بسیاری که از آنها بدست آورده بودند بازگشتند. (۱۹) در ماه ربیع الاول سال ۵۸۰ هجری صلاح‌الدین ایوبی با تمامی سردارانش برای تصرف کرک در اردن رهسپار گردید و با منجنیق باروهای قلعه کرک را سنگباران نمود و جنگ با فرنگیان را سخت‌تر نمود مسلمانان باروی قلعه را تصرف نمودند. صلاح‌الدین فرمان داد که با چوب و خشت سقفهایی بسازند تا سپاهیان بتوانند از زیر آن بگذرند و خود را به خندق برسانند این دستور را به کار بستند. فرنگیان کرک به فرمانروای فرنگیان پیام فرستادند و کمک خواستند فرنگیان هم شتابان برای کمک به آنان حرکت کردند. صلاح‌الدین همین که خبر حرکت آنان را شنید از کرک رفت که راهشان را بگیرد ولی به علت ناهمواری زمین و تنگی و سختی راه نتوانست بر آنان دست یابد لذا چند روز منتظر ماند تا از آنجا بیرون آیند ولی فرنگیان از بیم جان از جای خود دور نشدند. صلاح‌الدین از آنجا رفت و چند فرسنگ دور شد و کسی را در آنجا گماشت تا او را از حرکت فرنگیان آگاه سازد. فرنگیان شبانه خود را به کرک رساندند، صلاح‌الدین هنگامیکه از این موضوع خبر دار شد به سوی نابلس رهسپار گردید و فرنگیان را شکست داد و تعدادی از آنان را کشت یا اسیر نمود سپس از نابلس به شهر سبسطیه در فلسطین رفت، آنجا گروهی از مسلمانان در بند اسارت فرنگیان بودند که صلاح‌الدین آزادشان ساخت و از آنجا به «جینین» در فلسطین رفت و از فرنگیان غنائمی بدست آورد سپس به دمشق بازگشت. (۲۰) در سال ۵۸۳ هجری صلاح‌الدین به همه شهرها نامه نوشت و از مردم خواست که برای جهاد با فرنگیان آماده شوند و بیرون آیند و در اواخر ماه محرم با لشکریان خویش به سوی «راس‌الماء» در جنوب غربی شام روانه گردید و در آنجا لشکریان شام بدو پیوستند. صلاح‌الدین پسر خویش «افضل علی» را در راس آنان گماشت آنگاه خود برای مقابله با پرنس «ارناط» فرنگی

فرمانروای کرک که قصد حمله به کاروان حاجیان را داشت به «بصری» در اردن رفت، ارناط فرنگی وقتی شنید صلاح‌الدین به شهر او نزدیک می‌شود از شهر بیرون رفت و از آنچه قصد داشت، دست برداشت، سپس صلاح‌الدین کرک را محاصره نمود و در آنجا لشکر مصر به او پیوست و از آنجا صلاح‌الدین دسته‌هایی از لشکریان خویش را به سوی کرک و شویک در اردن و نقاط دیگر فرستاد و آنان نیز فرنگیان را شکست سختی دادند. پرنس ارناط در حلقه محاصره صلاح‌الدین بود. فرنگیان دیگر شهرها نمی‌توانستند به وی کمک کنند زیرا از لشکری که با «افضل علی» پسر صلاح‌الدین بود می‌ترسیدند، بدین گونه صلاح‌الدین چیرگی خود بر فرنگیان را نشان داد این هم یکی از شیوه‌ها و سیاستهای جنگی او بود. (۲۱) در همان سال صلاح‌الدین با سرداران و وزیران خویش مشورت نمود اکثریتشان به صلاح‌الدین پیشنهاد دادند که از مواجهه با فرنگیان خودداری کند و فقط به شهرهای فرنگیان یورش نمائیم ولی صلاح‌الدین گفت، «صلاح در این است که با همه لشکریان پیش برویم و با همه فرنگیان بجنگیم چون کارها به به حکم انسان پیش نمی‌رود و ما هم نمی‌دانیم که از عمرمان چقدر باقی مانده است بنابراین سزاوار نیست این جمع را پریشان کنیم مگر هنگامی که به حد لزوم در جهاد کوشیده باشیم». سپس هفت روز که از ربیع‌الآخر باقی مانده بود از «اقحوانه» حرکت کردند و در نزدیک «طبریه» روبرو لشکر فرنگیان اردو زدند. صلاح‌الدین گروهی از لشکریان خود را در برابر فرنگیان گماشت که آنان را از پیکار بازدارند آنگاه خود با گروهی از سواران زده بر طبریه حمله برد و به جنگ پرداخت و شبانه طبریه را تصرف نمود فرنگیان به قلعه شهر پناه بردند. (۲۲) فرنگیان خیر تصرف فرنگیه را شنیدند برای جنگ با لشکریان صلاح‌الدین آماده شدند آنها در حال تشنگی تاب و توان نداشتند. هنگام شب صلاح‌الدین پیشروان لشکر خود را ترتیب داد و میان تیراندازان به اندازه کافی تیر توزیع نمود. صبحگاه روز شنبه پنج روز به پایان ربیع‌الآخر مانده از سال ۵۸۳ هجری لشکریان صلاح‌الدین حمله سختی به فرنگیان نمودند که آنان را ناتوان ساخت و بسیاری از آنان کشته شدند. (۲۳) (امیرریموند فرانسوی فرمانروای طرابلس و انطاکیه بود که علاقه‌ی زیادی به شرکت در جنگ حطین نداشت و خواهان متارکه‌ی جنگ با صلاح‌الدین ایوبی بود) کنت «ریموند» فرنگی از آن معرکه «حطین» که اسم آن نبرد بود همراه با نیروهایش فرار کرد. لشکریان صلاح‌الدین در آن زمین آتش افکندند بدین‌گونه تشنگی و گرمای هوا و آتش و دود و کارزار همه برای از میان بردن فرنگیان دست به دست هم دادند بودند و فرنگیان شکست سختی خوردند و مسلمانان صلیب معروف فرنگیان صلیب-الصلوب را بدست آوردند. (۲۴) (در این نبرد امرا فرنگی و پادشاهشان و فرقه‌های مذهبی داوویه

واسپتاریه شرکت داشتند در نبرد حطین سال ۵۸۳ هجری، صلاح‌الدین یاران خود دستور داد به بالای تپه‌ای که پادشاه فرنگیان با حدود ۱۵۰ سوار رفته بودند بروند و مسلمانان آنان را شکست دادند و خیمه آنان را بر فراز تپه فرو انداختند و صلاح‌الدین از اسب پیاده شد و سجده کرد و سپس از شادی گریست. پادشاه فرنگیان و برادرش و پرنس ارنات فرمانروای کرک و گروهی از فرقه‌های فرنگی «داویه» و «اسبتاریه» به اسارت درآمدند و بسیاری از فرنگیان کشته شدند. (۲۵)

صلاح‌الدین ایوبی با کلیه اسرا و پادشاه فرنگی و برادرش رفتار خوبی نمود و به آنان آب و غذا داد. ولی «ارتاوا» فرمانروای فرنگی را به جرم توهین و ناسزا به پیامبر گرامی اسلام (ص) و غارت و کشتن کاروان غیرنظامی مسلمانان مصر، قصاص نمود و به هلاکت رساند. (۲۶) در همان سال صلاح‌الدین لشکریان را به سوی ناصره، قیساریه، حیفا، صفویه، معلیا، شقیف، فوله و دژهای دیگری که در نزدیک عکا قرار داشتند فرستاد. لشکریان صلاح‌الدین «نقاوا» را به تصرف در آوردند و بسیاری از فرنگیان را اسیر نمودند و غنائم زیادی بدست آوردند. سپس صلاح‌الدین برادرزاده‌اش «تقی‌الدین» را برای حمله به فرنگیان فرستاد. تقی‌الدین برتبین لبنان فرود آمد تا راه رسیدن خوار بار و آذوقه را بدانجا و به شهر صور ببندد. هم‌چنین صلاح‌الدین، حسام‌الدین لاجین را با لشکری به سوی شهر نابلس روانه کرد. وی شهر سبسطیه را تصرف نمود و سپس وارد شهر نابلس گردید و دژ نابلس را محاصره نمود و به ساکنان دژ امان داد و قلعه را تحویل گرفت. او اموال فرنگیان نابلس را دست نزد و مردم را در شهر باقی گذاشت. (۲۷) در سال ۵۸۳ هجری به دستور صلاح‌الدین، برادرزاده‌اش تقی‌الدین، «تبنین» را محاصره نمود، ولی دریافت که نتیجه‌ای نمی‌دهد مگر هنگامی که عمویش صلاح‌الدین به او بیبوند و او را یاری دهد. از این رو از صلاح‌الدین درخواست کمک نمود. صلاح‌الدین روز یازدهم جمادی‌الآخر در تبنین فرود آمد و عرصه را بر فرنگیان تنگ نمود و پیکار نمود. ساکنان فرنگی دژ تبنین وقتی کار محاصره را سخت یافتند. اسرای مسلمانان را آزاد نمودند. صلاح‌الدین به اسرا لباس و نفقه داد و پیش خانواده‌هایشان فرستاد. فرنگیان تا پنج روز پایداری کردند بعد کسانی را نزد صلاح‌الدین فرستادند و امان خواستند. صلاح‌الدین فرنگیان را به جان امان داد. آنها هم تبنین را تسلیم او کردند. صلاح‌الدین هم به وعده خود وفا نمود و آنان را ایمن به جایگاه‌های خود فرستاد. سپس صلاح‌الدین به سوی صیدادر جنوب لبنان رهسپار گردید و در راه خویش «صرفند» درلبنان را با ملایمت و بدون جنگ گرفت، سپس به صیدا رسید. فرمانروای فرنگی صیدا شهر را ترک نمود و آنجا را بی مدافع و مانع گذاشت. صلاح‌الدین در یازدهم جمادی‌الأول شهر صیدا را تصرف نمود. سپس شهر بیروت را

محاصره نمود. مردم بیروت مقاومت سختی نمودند و چند روز پیکار ادامه یافت. فرنگیان بیروت بر جان خود بیمناک شدند و برای صلاح‌الدین پیام فرستادند و امان خواستند. صلاح‌الدین آنان را به جان و مال امان داد و شهر بیروت را در تاریخ ۲۹ جمادی الأول تحویل گرفت. مدت محاصره بیروت هشت روز بود. (۲۸) صلاح‌الدین بعد از آزاد سازی شهرها و قلعه های اردن و بخشی از لبنان از اشغال فرنگیان متوجه سرزمین فلسطین گردید و در مرحله ی اول به فرنگیان پیشنهاد صلح و تخلیه ی سرزمین فلسطین و شهر بیت المقدس را داد. در شنبه شانزدهم جمادی الآخر همان سال صلاح‌الدین همراه برادرش «عادل» و لشکر مصر به عسقلان حمله برد. صلاح‌الدین از پادشاه فرنگیان و رئیس فرقه داویه که در دمشق اسیر بودند خواست که دو شهر عسقلان و قدس در فلسطین را تسلیم کنند و در قبالش آزاد شوند و به ساکنان آن مناطق امان خواهد داد، ولی مردم عسقلان دستور آن دو رهبر فرنگی را رد نمودند و صلاح‌الدین با کلیه تجهیزات به عسقلان حمله نمود. فرنگیان عسقلان چون کمکی که انتظارش را داشتند برای آنان نرسید به ناچار دست از پایداری برداشتند و به پادشاه اسیر خود نامه نگاشتند و حاضر شدند شهر را در برابر شرایطی که پیشنهاد کرده بودند تسلیم نمایند. صلاح‌الدین هم درخواست‌های فرنگیان را پذیرفت. محاصره عسقلان چهارده روز بود. عسقلان در پایان جمادی الآخر همان سال به دست صلاح‌الدین افتاد. صلاح‌الدین همچنان که وعده کرده بود به همه ی فرنگیان شهر امان داد و آنان را با زنان و فرزندان و اموالشان به بیت المقدس فرستاد. (۲۹) در همان سال صلاح‌الدین لشکریانش را به اطراف عسقلان فرستاد. آنان رمله، داروم، غزه، مشهدابراهیم خلیل (ع)، یبنی، بیت‌الحم، بیت جبرئیل، نظرون و آنچه تعلق به فرقه داویه فرنگی داشت را به تصرف خود در آوردند. (۳۰) (سپس صلاح‌الدین بعد از آزاد سازی شهرها و قلعه های فلسطین برای آزاد سازی بیت المقدس و مسجد الاقصی مبارک از اشغال فرنگیان رهسپار قدس شریف گردید) در سال ۵۸۳ هجری صلاح‌الدین ایوبی از ناوگان مصر خواست در دریا جلوی حرکت کشتی‌های فرنگیان که از اروپا می‌آمدند را بگیرد. «بالدوین» فرنگی حاکم بیت‌المقدس استحکامات دفاعی را شهر را محکم و آماده نمود. در بیت المقدس نیروهای زیادی از فرنگیان وجود داشت. صلاح‌الدین هنگامی که به شهر نزدیک شد یکی از سرداران او با گروهی از نیروهایش بدون دوراندیشی با فرنگیان پاسبان شهر به جنگ پرداختند. فرنگیان آن سردار و گروهی از نیروهایش را کشتند. لشکریان صلاح‌الدین ناراحت شدند و پیش رفتند و در نیمه ماه رجب در بیت‌المقدس فرود آمدند و در آنجا به زیادی تعداد فرنگیان بیت المقدس پی برند. صلاح‌الدین در طول پنج روز گرداگرد شهر می‌گشت تا ببیند که از کدامین سوی

شهر پیکار را آغاز کند. صلاح الدین جز از سوی شمال طرف «عموداو» کنیسه صهیون جای دیگر را برای پیکار با شهر مناسب نیافت. (۳۱) در بیست و یکم رجب همان سال سپاهیان صلاح الدین و فرنگیان با منجنیق یک دیگر را می‌کوبیدند و جنگ سختی در گرفت و هر بار گروهی از دو دسته کشته می‌شدند. مسلمانان از شهادت امیر عزالدین عیسی بن مالک ناراحت شدند و به فرنگیان حمله بردند و فرنگیان را درون شهر برگرداندند و خود از خندق گذشتند و به دیوار شهر رسیدند و به سوراخ کردن دیوار پرداختند. فرنگیان که نابودی خویش را نزدیک یافتند با هم مشورت نمودند و با یک دیگر هم رأی شدند که از صلاح الدین امان بخواهند و شهر بیت المقدس را تسلیم کنند. فرنگیان گروهی از بزرگان خویش را برای امان خواستن نزد صلاح الدین فرستادند. صلاح الدین از پذیرفتن درخواست آنان خودداری کرد و گفت، «من نیز با شما همان رفتاری را خواهم کرد که شما در سال ۴۹۱ هجری پس از دست یافتن بر این شهر با مردم بیت المقدس کردید شما تا توانستید مردم را کشتید و اسیر ساختید، هر کار بدی را با همان کار بد باید کيفر داد». (۳۲) در همان سال «بالیان» فرنگی فرمانروای بیت المقدس نزد صلاح الدین آمد و از صلاح الدین خواهش نمود که مردم را امان دهد. صلاح الدین با درخواست او مخالفت نمود. بالیان فرنگی به صلاح الدین گفت که فرنگیان بیت المقدس به سختی خواهان جنگند و تعداد نیروهای فرنگی درون شهر بسیار زیاد هستند. صلاح الدین با یاران خویش مشورت نمود و همه، هم رأی بودند که به فرنگیان شهر امان دهند و در قبالش برای آزادیشان فدیة بپردازند. صلاح الدین این پیشنهاد را پسندید. فرنگیان شهر بیت المقدس در روز جمعه بیست و هفتم ماه رجب سال ۵۸۳ هجری تسلیم گردیدند و بدین ترتیب پرچم‌های مسلمانان بر بالای دیوارهای شهر افراشته شد. (۳۳)

بیت المقدس بعد از آزادی

(صلاح الدین ایوبی با عوام و فقرای فرنگی و همچنین اسقف‌ها و راهبان و امرا و فرمانروایان آنان رفتاری اسلامی و انسانی و جوان مردانه و عادلانه داشت و بر خلاف فرنگیان اشغالگر هنگام اشغال بیت المقدس عمل نمود که نشان از شخصیت فردی و اعتقادات صلاح الدین و همچنین عدالت و تسامح و انسانیت عطوفت دین مبین اسلام با دشمنان می باشد) صلاح الدین ایوبی فقرا و تهیدستان فرنگی بیت المقدس را بدون فدیة آزاد نمود و از آزاد کردن آن همه از فرنگیان به خزانه دولت ایوبی جز اندکی پول، عاید نشد. یک خانم فرنگی، همسریکی از امرای فرنگی که خدم و حشم و اموال و جواهرات گران بهای بسیار با خود داشت برای خود و کسانش از صلاح الدین

امان خواست، صلاح‌الدین او را امان داد. صلاح‌الدین ملکه بیت‌المقدس را با اموال و افرادی که در اختیار داشت آزاد نمود و به او اجازه داد که به نزد همسرش که در دژ نابلس زندانی بود برود. صلاح‌الدین به اسقف بزرگ فرنگیان اجازه داد همراه اموال بسیار کلیساها و معابد مشهور مسیحیان از شهر خارج شود و کسانی را برای آنکه سالم به مقصد برسند همراه اسقف اعظم نمود. روز جمعه مسلمانان صلیب بالای قبه صخره را کردند. مسلمانان از شادی الله‌اکبر می‌گفتند. صلاح‌الدین دستور داد که بناها را به حال قبل از اشغال فرنگیان درآوردند و مسجدالاقصی و قبه صخره را از آلودگی‌ها پاک سازند. در روز جمعه چهارم شعبان مسلمانان با صلاح‌الدین در مسجدالاقصی نمازگزارند و دستور نوسازی مسجدالاقصی و منبری زیبا و استوار برای آن را صادر نمود. صلاح‌الدین از ثروت‌های بیت‌المقدس چیزی برای خود نگه نداشت و همه را به امیران و سربازان و فقها بخشید. هم‌چنین دستور داد که بیماران فرنگی بستری شوند و در بیمارستان‌های بیت‌المقدس هم‌چنان تحت مراقبت و پرستاری بودند و کلیساهای منبرع مقدس را نیز به مسیحیان سوریه و ارتدوکس‌ها سپرد. (۳۴) هم‌چنین صلاح‌الدین قرآن‌های زیبا و صندوق‌های عالی مخصوص جزوه‌های قرآن در آنجا گماشت. صلاح‌الدین به مسیحیانی که اهل بیت‌المقدس بودند اجازه داد تا در بیت‌المقدس باقی بمانند و به زائران فرنگی اجازه داد که از اروپا آزادانه برای زیارت اماکن مقدس مسیحیان به بیت‌المقدس بیایند و دستور داد مجاناً خیمه و خوار و بار در میان فرنگیان توزیع کنند تا موقتاً اقامت داشته باشند و بعداً با کشتی به اروپا بازگردند. وی وضع اقلیت‌های مختلف کاتولیک را سامان داد چهار تن از کشیشان کلیسای رستخیز اجازه یافتند در بیت‌المقدس بمانند. (۳۵) صلاح‌الدین ایوبی پس از آزاد سازی بیت‌المقدس به فرنگیان اجازه ی زیارت آزادانه اماکن مقدس مسیحیان را داد و آنان را در برگذاری مراسم دینی در بیت‌المقدس آزاد گذاشت و اماکن مقدس آنان را به کشیشان و اسقفهای مسیحی واگذار نمود که این نشان از آزادی پیروان مذاهب و ایان مختلف در حکومت اسلامی و شخصیت اعتقادی صلاح‌الدین ایوبی دارد.

از فتح بیت‌المقدس تا انعقاد معاهده صلح با فرنگیان

(پس از آزاد سازی بیت‌المقدس صلاح‌الدین به دنبال آزادی بقیه ی مناطق تحت اشغال فرنگیان در لبنان بود با این هدف) در رمضان سال ۵۸۳ هجری، صلاح‌الدین شهر صور را محاصره نمود. «مرکیس» فرمانروای صور استحکامات شهر را محکم و استوار نموده بود، نیروهای صلاح‌الدین با منجنیق‌ها و تیر و کمان‌ها و قلعه‌کوب‌ها پیشروی می نمودند و خویشاوندانش و پسرانش

افضل علی و ظاهرغازی و برادرش عادل و برادرزاده اش تقی الدین و هم چنین سرداران به نوبت می‌جنگیدند. فرنگیان از دریا به وسیله کشتی مسلمانان را تیرباران می‌کردند و مسلمانان کشته و زخمی بسیار دادند و نمی‌توانستند به شهر صور نزدیک شوند. (۳۶) فرنگیان بار دیگر از شهر بیرون آمدند و با مسلمان جنگیدند. جنگ سختی در گرفت که تا پایان روز دوام یافت در این نبرد یکی از امرای بزرگ فرنگیان به اسارت در آمد، هر دو طرف کشته دادند، این زد و خورد میان نیروهای صلاح‌الدین و فرنگیان چند روزی همچنان به همین حال باقی ماند. در همان سال صلاح‌الدین ایوبی هنگامی که دید کار شهر صور طولانی شده با سرداران خویش به مشورت پرداخت. گروهی پیشنهاد رفتن از صور را می‌دادند و گروهی دیگر خواهان ادامه جنگ در صور بودند. صلاح‌الدین دو دل شد که چه کند برود یا بماند، ولی دید هر سرداری خود را برای رفتن آماده ساخته و چنان چه بماند به بهانه کشته و زخمی شدن سربازانش وظایف خویش را انجام نمی‌دهند و صلاح‌الدین ناچار گردید در پایان ماه شوال از صور برود و به لشکریان اجازه داد به زادگاه های خویش بروند و زمستان را استراحت کنند و در بهار بازگردند. صلاح‌الدین هم در دژ عکا منزل گرفت. (۳۷) در سال ۵۸۴ هجری صلاح‌الدین ایوبی به شهرهای فرنگیان مثل «صافیثا»، «عریما» و «بحور» در لبنان و شهرهای دیگر حمله برد و تا نزدیک طرابلس در لبنان رسید. وی وضع شهرهای فرنگیان را در نظر گرفت و دانست که از کدام سو باید به آن شهر ها راه یافت و با چارپایانی که از فرنگیان به غنیمت گرفته بود به اردوگاه خود در زیر دژ اکراد بازگشت. (۳۸) در همان سال صلاح‌الدین ایوبی دژ استوار و بلند صهیون در شمال فلسطین را محاصره نمود و با منجنیق کوبید و پسرش «ظاهر» فرمانروای حلب را مأمور ساخت تا از جای تنگی که در دره وجود داشت حمله کند، سربازان ظاهر به فرنگیان تیراندازی نمودند و بسیاری از آنان زخمی شدند ولی فرنگیان سرسختی نشان دادند. لشکریان صلاح‌الدین در دوم جمادی‌الآخر به سوی دژ پیشروی نمودند و چارپایان و ذخائر فرنگیان را به غنیمت بردند. سرانجام فرنگیان امان خواستند اما صلاح‌الدین در خواستشان را نپذیرفت سپس صلاح‌الدین دژ صهیون را تصرف نمود و دژهای «پلاطونوس»، «عید» و «جماهرتین» را هم به تصرف خویش درآورد و در ماه جمادی‌الآخر صلاح‌الدین دژ «بکاس» را تصرف نمود سپس به قلعه «شغر» در شام رفت و دژ آن را محاصره نمود ولی فرنگیان سخت پایداری کردند تا اینکه فرستاده‌ی فرنگیان از صلاح‌الدین سه روز مهلت خواست که اگر برای آنان کمکی نرسید دژ و آنچه از چارپایان و دارایی دارند تسلیم خواهند کرد. صلاح‌الدین این شرط را پذیرفت و همینکه روز سوم فرا رسید دژ را تسلیم کردند و صلاح‌الدین دژ شغر

را در جمعه شانزدهم جمادی الاخر سال ۵۸۴ هجری تصرف نمود، همچنین پسرش ظاهر غازی را برای تصرف دژ «سرمینه» فرستاد او ظاهر دژ سرمینه را محاصره نمود، آنگاه با فرنگیان توافق نمود در قبال پرداخت مبلغی آزاد شوند و امان داشته باشند. در این دژ اسرای مسلمان بودند که آزاد شدند. روز جمعه بیست و سوم ماه جمادی الاخر سال ۵۸۴ هجری روی داد. (۳۹) در همان سال صلاح الدین ایوبی به سوی انطاکیه در شام رهسپار گردید. «ریموند» فرمانروای انطاکیه از حمله صلاح الدین بیمناک شد و برای او پیام فرستاد و درخواست متارکه جنگ نمود و وعده داد که اگر درخواستش پذیرفته شود همه اسرای مسلمانانی را که نزدش دارد، آزاد خواهد کرد. صلاح الدین با فرمانروایان و سرداران همراهش درباره درخواست ریموند مشورت نمود که اکثریشان گفتند درخواست ریموند را بپذیرد. صلاح الدین درخواست متارکه را پذیرفت و صلح را به مدت هشت ماه برقرار ساخت و فرستاده‌اش را نزد ریموند فرستاد تا او را برای وفاداری به پیمان صلح سوگند دهد و اسرای مسلمان را آزاد کند. صلاح الدین در تاریخ سوم شعبان به حلب بازگشت سپس لشکری را مامور محاصره دژ کرک نمود. آنان نیز کرک را محاصره کردند، فرنگیان از عادل ایوبی امان خواستند عادل آنان را امان داد و دژ کرک را تصرف نمود سپس عادل ایوبی دژهای نزدیک کرک مانند شوبک، هرمز، عیره، سلع را فتح نمود. (۴۰) در ماه شعبان سال ۵۸۵ هجری صلاح الدین ایوبی همراه برادرزاده‌اش تقی الدین شهر عکا را محاصره نمودند و با فرنگیان جنگیدند و گروه بسیاری از فرنگیان کشته شدند. فرنگیان عکا از شهر بیرون آمدند و بسیاری از نیروهای لشکر صلاح الدین و گروهی از امراء را به شهادت رساندند. قلب لشکر سر به فرار گذاشتند، صلاح الدین به دنبالشان رفت و فریاد زنان دستور داد که برگردند و به دشمن حمله برند گروهی از نیکوکاران و شایستگان آنان بازگشتند و صلاح الدین با آنان به پیکار فرنگیانی که سرگرم جنگ با جناح راست سپاهیان بودند گردید و فرنگیان از پیش رو و پشت سر گرفتار شدند. در این کارزار بیشتر فرنگیان کشته شدند باقی هم اسیر گردیدند، تعداد کشته شدگان به جزء آنهایی که برکرانه دریا بودند نزدیک به ده هزار نفر می رسید. (۴۱) آنگاه مسلمانان شهر عکا را در اختیار گرفتند ولی بر اثر آلودگی حاصل از بوی لاشه‌های کشته‌گان، برخی سرداران سپاه صلاح الدین بیمار شدند. سرداران سپاه و پزشکان از صلاح الدین خواستند از آنجا بروند او در تاریخ چهارم ماه رمضان سال ۵۸۵ هجری از عکا رفت و به نیروهایش در عکا دستور داد که شهر را نگه دارند. در این هنگام فرنگیان از دریا و خشکی عکا را محاصره نمودند صلاح الدین بیمار بود پاسبانان سپاه وی در عکا هر روز اخبار اقدامات نیروهای فرنگی را به او می دادند برخی سرداران به صلاح الدین توصیه

کردند لشکر خویش را برای جنگ به اطراف عکا بفرستد ولی صلاح الدین با این نظر مخالف بود و گفت، « اگر من خودم همراه لشکر نباشم، کاری از پیش نمی برند و شاید زیانش بیشتر باشد » تا اینکه صلاح الدین شفا یافت. (۴۲) در ماههای شوال و ربیع الاول سال ۵۸۶ هجری در دریا هیچ کدام از لشکریان صلاح الدین ایوبی و فرنگیان بر دیگری غلبه نیافت (۴۳) جنگ میان مسلمانان و فرنگیان در اطراف عکا ماهها طول کشید و فرنگیان نتوانستند شهر عکا را تصرف کنند تا اینکه زمستان فرا رسید، مردم عکا پیش صلاح الدین از خستگی و فرسودگی شکایت نمودند سپس صلاح الدین دستور داد سربازان دیگری را جانشین آنان کنند. (۴۴) در سال ۱۱۸۸ میلادی صلاح الدین لشکری را برای مقابله با سپاه امپراتور آلمان «فردریک بارباروس» به شمال شام فرستاد. فردریک امپراتور آلمان در دشت سلوکیه بیمار شد و درگذشت و خبر مرگ فردریک به صلاح الدین رسید. فرزند فردریک فرماندهی لشکر آلمان را بر عهده گرفت ولی نتوانستند کاری از پیش برند بعضی از سپاهیان آلمان در راه تلف شدند بعضی به اروپا بازگشتند برخی نیز به عکا رفتند. (۴۵) در سال ۵۸۷ هجری فرنگیان فشار را بر مردم عکا بیشتر کردند مسلمانان داخل شهر عکا از فرنگیان امان خواستند و با آنان شروطی جهت واگذاری شهر گذاشتند فرنگیان در این باره سوگند یاد کردند و شهر عکا به فرنگیان واگذار گردید. فرنگیان بدون جنگ و خونریزی وارد شهر شدند ولی هنگامیکه وارد عکا شدند پیمان شکنی کردند در این هنگام به صلاح الدین نیز نامه نگاشتند که پولها و اسیران و صلیب بزرگ را که نزد خویش نگه داشته اند آزاد سازد. صلاح الدین با سرداران خویش مشورت نمود آنان به او توصیه کردند هیچ پولی به فرنگیان ندهد مگر وقتی که برگردد و آنان را سوگند دهد و تعهد بگیرد که یارانش را آزاد کنند و فرقه داویه نیز عهد و سوگند شاه را تضمین نماید. صلاح الدین در این باره نامه ای به فرنگیان نوشت فرقه داویه جواب داد که سوگند نمی خوریم و ضمانت نمی کنیم. پادشاه فرنگیان نیز پیشنهاد صلاح الدین را نپذیرفت. صلاح الدین دانست فرنگیان در فکر فریبکاری هستند این بود که پولی نپرداخت و فرستاده فرنگیان را بازگرداند و برای آنان پیام داد که «ما پولها و اسیران و صلیب بزرگ را در اختیاران می گذاریم و برای پرداخت بقیه پول نیز گروگان می دهیم تا شما یاران ما را آزاد کنید و فرقه داویه نیز حفظ گروگان و وفاداری به این پیمان را تضمین نماید» فرنگیان درخواست صلاح الدین را رد نمودند صلاح الدین دیگر پاسخی به آنان نداد. روز سه شنبه بیست و هفتم ماه رجب فرنگیان از عکا بیرون آمدند مسلمانان نیز به آنان حمله بردند فرنگیان بسیاری از اسرای مسلمانان را کشتند و فقط امراء و بزرگانی که پولی داشتند را باقی گذاشتند صلاح الدین که چنین دید پولی را که برای

پرداخت به فرنگیان گرد آورده بود برداشت و اسیران و صلیب بزرگ را نیز به دمشق بازگرداند. (۴۶) ریچارد شیردل پادشاه انگلیس از اروپا برای جنگ با مسلمانان به لبنان آمده بود) صلاح‌الدین در ماه رمضان همان سال به بیت‌المقدس رفت و آن شهر را مستحکم ساخت و از لحاظ اسلحه و ذخائر و سایر مایحتاج مجهز نمود و ترتیب کارها را داد و در هشتم ماه رمضان سال ۵۸۷ هجری به لشکرگاه خویش بازگشت. در همان ماه «ریچارد» پادشاه انگلیس با تعدادی از نیروهایش با گروهی از لشکر صلاح‌الدین جنگ سختی نمودند و نزدیک بود پادشاه انگلیس اسیر شود. (۴۷) صلاح‌الدین ایوبی در سیزدهم رمضان همان سال به «نظرون» در شمال فلسطین رفت و در آنجا اردو زد، ریچارد پادشاه انگلیس به او نامه‌ای نگاشت و خواستار متارکه جنگ شد و برای عادل ایوبی برادر صلاح‌الدین هم پیام فرستاد و درخواست صلح نمود و در نتیجه قرار شد پادشاه انگلستان خواهر خود را به ازدواج عادل ایوبی درآورد و بیت‌المقدس و دیگر شهرهای ساحلی در اختیار عادل قرار گیرد و عکا و سایر شهرهای دیگری که در دست فرنگیان است به خواهر پادشاه انگلیس تعلق یابد، فرقه داویه نیز بر این پیمان رضایت دهد و به جنگ پایان داده شود. عادل ایوبی این قرار را با برادر خویش صلاح‌الدین در میان گذاشت، صلاح‌الدین آن را پسندید و موافقت نمود. وقتی خبر آن پخش شد کشیشان و راهبان و اسقف‌ها نزد خواهر ریچارد پادشاه انگلستان رفتند و او را از این کار بازداشتند آن خانم فرنگی از این ازدواج خودداری نمود، آنگاه عادل ایوبی و ریچارد درباره صلح گفت و گو کردند ولی گفتگوی صلح میان آن دو به جایی نرسید زیرا هدف فرنگیان نیرنگ و فریب بود. هنگامیکه فرنگیان آشکار کردند که می‌خواهند به بیت‌المقدس روی آورند صلاح‌الدین تنها با عده‌ای از یاران زبده خویش رهسپار «رمله» گردید و در آنجا بیست روز ماند و چند بار با فرنگیان جنگید که در هر بار پیروز گردید سپس صلاح‌الدین به «نظرون» بازگشت. (۴۸) صلاح‌الدین در سال ۵۸۷ هنگامیکه زمستان فرا رسید به بیت‌المقدس رفت. در ذی-الحجه فرنگیان می‌خواستند به بیت‌المقدس حمله برند ولی شکست خوردند و بیش از پنجاه تن از سواران دلیر فرنگی اسیر گشتند. صلاح‌الدین استحکامات شهر را بازسازی نمود و برای کارهای عمرانی خود از نقاط دور به بیت‌المقدس سنگ می‌آورد. در ماه محرم سال ۵۸۸ هجری میان گروهی از جنگجویان زبده ریچارد پادشاه انگلیس و پاسداران لشکر صلاح‌الدین جنگ سختی روی داد و از طرفین بسیاری کشته شدند. در هنگام اقامت صلاح‌الدین در بیت‌المقدس گروه‌های کوچک از لشکریانش به فرنگیان هجوم بردند و با دسته‌هایی از آنان جنگیدند. (۴۹) اوایل ماه شعبان سال ۵۸۸ هجری «ریچارد» پادشاه انگلستان در «یافا» به سختی مریض شد، صلاح‌الدین

ایوبی یکی از اطباء حاذق را مامور نمود تا از وی عیادت کند و دستور داد تا چندین سبد میوه به و گلابی برای ریچارد ارسال نمایند. ریچارد وقتی سلامتی خود را بازیافت از صلاح الدین سپاسگذاری نمود و برای وی پیغام فرستاد که آماده مذاکره درباره شرایط صلح می باشد و در هجده شعبان هیئت فرنگیان و هیئت دولت ایوبی به سرکردگی عادل ایوبی و افضل علی ایوبی مذاکرات در مورد قرارداد صلح را شروع نمودند. (صلاح الدین ایوبی به علت مشکلات مالی و طولانی شدن جنگ و خستگی امرا و فرماندهان و سربازان لشکرش و عدم کمک مردمان سلسله جبال زاگرس به علت درگیری با ترکان مهاجم اغزهاو سلجوقی و سلغری و همچنین قرت یافتن فرنگیان به وسیله ی نیروهای کمکی ریچارد پادشاه انگلیس و فلیپ آگوست امپراتور فرانسه و نیروهای ایتالیایی اعزامی از اروپا و تمایل فرنگیان به صلح با درخواست صلح آنان موافقت نمود(۵۰) در بیست و دوم شعبان سال ۵۸۸ هجری پیمان متارکه جنگ میان مسلمانان و فرنگیان منعقد گردید مدت متارکه جنگ سه سال و هشت ماه و آغاز آن از تاریخ مذکور بود. علت صلح، اصرار و درخواست های مکرر پادشاه انگلستان ریچارد به صلاح الدین و برادرش عادل درباره صلح بود. هنگامیکه صلاح الدین از قصد پادشاه انگلستان برای بازگشت به کشورش آگاه گردید با پیشنهاد صلح ریچارد فرنگی موافقت نمود و به موجب قرار داد صلح ساحل واقع بین یافا و عکا در تصرف فرنگیان باقی ماند و عسقلان محلی بیطرف شناخته شد، منطقه رمله و لیدا به دو بخش به عنوان منطقه نفوذ فرنگیان و دولت ایوبی تقسیم گردید، سرزمین های واقع بین انطاکیه و حارم در اختیار دولت ایوبی قرار گرفت سرزمین های واقع بین انطاکیه و حارم نیز در اختیار دولت ایوبی قرار گرفت و فرنگیان می توانستند آزادانه به زیارت اماکن مقدسه خود بیایند و بعضی از گروه های مذهبی مسیحی مجاز بودند در صومعه های که خود بنا کرده بودند اقامت کنند و به اداره آنها پردازند صلاح الدین به فرنگیان پیغام داد که دروازه های بیت المقدس به روی زوار فرنگی باز و زیارت اماکن آن بلامانع است صلاح الدین صد و پنجاه هزار مسیحی اروپا را اطعام کرد و به همه آنها جای و منزل داد و چون همه ملت ها را به یک چشم می نگریست از همه آنان به یکسان پذیرائی می کرد. همینکه کار صلح به پایان رسید صلاح الدین به لشکریان فرنگی اجازه داد بیت المقدس را زیارت کنند و دستور ساختن مدرسه، کاروانسرا، بیمارستان، نواخانه و تیمخانه را داد تا مردم از آن بهره ببرند. (۵۱) (این اعمال صلاح الدین نشان از روح انسانی و عتوفت و اعتقادات دینی این فرمانروای بزرگ و رحمت و انسانیت دین مقدس اسلام می باشد).

نتیجه

با انجام این تحقیق ما به نتایج مختلفی در مورد نقش صلاح‌الدین در جنگ‌های صلیبی دست پیدا می‌کنیم بدین صورت که بر اساس منابع تاریخی، صلاح‌الدین و خانواده‌اش از امرای دولت زنگی شام بوده‌اند که از طریق تسلط بر مصر دولت ایوبی را پایه‌گذار کردند و حرکت و جنگ‌های صلاح‌الدین با اشغالگران فرنگی از مصر آغاز شد و او طی چند مرحله جنگ با فرنگیان سرانجام بیت‌المقدس قبله اول مسلمانان و محل اسرای و معراج پیامبر گرامی اسلام (ص) را آزاد نمود. صلاح‌الدین اکثریت این جنگها را خود فرماندهی نموده و در اغلب آنان بر متجاوزان فرنگی پیروز شده است. همچنین طبق منابع تاریخی صلاح‌الدین پس از فتح بیت‌المقدس به کوشش خود برای آزادسازی بقیه مناطق اسلامی ادامه داده است که مرگ اجازه این کار را به وی نداد. عوامل موفقیت صلاح‌الدین در جنگ‌های صلیبی را می‌توان رفتار و شیوه اسلامی وی در حکمرانی، در رفتار با مردم و رفتار با دشمنان فرنگی دانست، که رفتار و اخلاق و شخصیت صلاح‌الدین بر اساس منابع تاریخی نمایانگر این اصول اسلامی می‌باشد. این تحقیق بخشی از نقش صلاح‌الدین ایوبی در جنگ‌های صلیبی را در طول تاریخ بر ما روشن گرداند ولی هنوز جای کار بسیاری برای پژوهش در مورد آن وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنگ‌های صلیبی، ج ۲، صص ۳ و ۴
۲. البدايه و النهايه، ج ۱۳، صص ۵ _ ۹؛ جنگ‌های صلیبی، ج ۲، ۱۶۹ - ۱۷۱؛ تاریخ کامل، ج ۲۴، صص ۸۷-۸۹؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۳، صص ۹۶ - ۹۸؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۵۰۰ و ۵۰۱؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۵۵۳ - ۵۵۶
۳. تاریخ کامل، ج ۲۱، صص ۱۶۷ - ۱۷۱؛ کنز الدرر و جامع الغرر، ج ۷، صص ۲۶ و ۲۷؛ المواعظ والا اعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، صص ۴۶ و ۴۷؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲؛ صص ۴۲۸ و ۴۲۹؛ اماره الكرك الايوبيه، ص ۸۳؛ جنگ‌های صلیبی، ج ۱، صص ۲۲۱ - ۲۲۳؛ تاریخ اسلام، ج ۱۷، صص ۳۹ و ۴۰؛ البدايه و النهايه، ج ۱۲، صص ۲۶۵ و ۲۶۶
۴. تاریخ کامل، ج ۲۱، صص ۱۷۱ - ۱۷۴؛ تاریخ اسلام، ج ۱۷، ص ۴۰؛ جنگ‌های صلیبی، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ المواعظ والا اعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۴۷؛ کنز الدرر و جامع الغرر، ج ۷، ص ۲۷؛ تاریخ الباهر فی الدوله الاتابکيه، ص ۱۲۲
۵. تاریخ کامل، ج ۲۱، صص ۲۲۰ - ۲۲۵؛ سناء البرق الشامی، ج ۱، ص ۶۴؛ تاریخ الباهر فی الدوله الاتابکيه، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، صص ۱۹۸ و ۱۹۹
۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، صص ۱۹۸ و ۱۹۹؛ تاریخ الباهر فی الدوله الاتابکيه، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲، صص ۴۳۵ - ۴۳۷
۷. تاریخ اسلام، ج ۲۱، صص ۲۴۸ - ۲۵۱؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۵۹ - ۶۲؛ ، صدق اخبار، ج ۱، ص ۱۲۰؛ البدايه و النهايه، ج ۱۲، ص ۲۷۴؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، صص ۴۰۴ - ۴۰۶
۸. سناء البرق الشامی، ج ۱، ص ۷۹؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۳۲۸؛ غوانمه، اماره الكرك الايوبيه، ص ۸۳
۹. تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲، ص ۴۵۹؛ سناء البرق الشامی، ج ۱، ص ۸۱
۱۰. تاریخ اسلام، ج ۲۱، صص ۲۶۵ - ۲۷۶؛ صدق اخبار، ج ۱، ص ۱۲۶؛ سناء البرق الشامی، ج ۱، صص ۸۶ و ۸۷؛ تاریخ الباهر فی الدوله الاتابکيه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴
۱۱. تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲، صص ۴۶۹ و ۴۷۰
۱۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۶۶ و ۴۴۷؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲، صص ۴۷۹ و ۴۸۰
۱۳. مفروج الكروب فی اخبار بنی ایوب، ج ۲، صص ۷۲ و ۷۳؛ تاریخ کامل، ج ۲۲، صص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ البدايه و النهايه، ج ۱۲، ص ۳۱۹

۱۴. تاریخ کامل، ج ۲۲، صص ۱۷۸ - ۱۸۰؛ السلوک لمعرفة دولة الملوك، ج ۱، ص ۶۷؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۴۹۰ و ۴۹۱
۱۵. البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۳۲۶؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۴۶
۱۶. جنگهای صلیبی، منبع ۲۳، ص ۱۲۰؛ النوادر السلطانیة و المحاسن الیوسفیه، ص ۷۵؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۱۸۵ و ۱۸۶
۱۷. تاریخ کامل، ج ۲۲، صص ۲۲۹ - ۲۳۱؛ السلوک لمعرفة دولة الملوك، ج ۱، صص ۷۸ و ۷۹؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۵۲
۱۸. تاریخ کامل، ج ۲۳، ص ۲۳۲
۱۹. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۵۹؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۱۹۹ و ۲۰۰
۲۰. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۸ - ۱۱؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۲۰۸ و ۲۰۹
۲۱. مفروج الکروب فی اخبار بنی ایوب، ج ۲، صص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۶۸ و ۶۹؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۲۱۱ و ۲۱۱؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۶۴
۲۲. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۷۶ - ۷۸، تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۸ و ۵۳۹؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۶۹ و ۷۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۶۶
۲۳. تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۳ - ۵۳۵؛ الفتح القسی فی الفتح اقدسی، صص ۲۲ و ۲۳؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۳، صص ۳۱ و ۳۲؛ جنگهای صلیبی، منبع ۱، ص ۱۵۶
۲۴. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۸۳ - ۸۵؛ جنگهای صلیبی، منبع ۱، ص ۱۵۷؛ الفتح القسی فی الفتح اقدسی، ص ۲۳؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۵ و ۵۳۶؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۶، ص ۳۲
۲۵. صلاح الدین ایوبی، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۷۵؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۶۷؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۶ و ۵۳۷
۲۶. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۸۸ و ۸۹؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۷ و ۵۳۸؛ صلاح الدین ایوبی، ص ۲۶۱؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۷۶
۲۷. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۹۶ و ۹۷؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۵۳۹؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۷۷
۲۸. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۶۸ و ۴۶۹؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۲۷۹ - ۲۸۲؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۵۳۹

۲۹. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۱-۱۲؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۷۹ و ۸۰؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۳۹ و ۵۴۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۷۰
۳۰. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۷۰؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، ص ۱۱۳
۳۱. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۱۴-۱۱۶؛ الفتح القسی فی الفتح اقدس، صص ۴۳ و ۴۴؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۸۲ و ۸۳؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۲۹-۲۹۲
۳۲. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۱۶-۱۱۹؛ فلسطین آزاد می شود، ص ۱۲۵؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۵۴۲
۳۳. الفتح القسی فی الفتح اقدس، صص ۴۶ و ۴۷؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۲۴۹-۲۹۸؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۱۹-۱۲۲؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۴۳-۵۴۴
۳۴. جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۸۷-۹۰؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۲۲-۱۲۷؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۴۴-۵۴۶
۳۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۷۳؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۳۰۳-۳۰۶؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۲۷-۱۲۹
۳۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۷۳ و ۴۷۴؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۹۲ و ۹۳
۳۷. تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۵۵۱ و ۵۵۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۲۷۴؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۳۴-۱۳۹
۳۸. جنگهای صلیبی، ج ۲، ص ۹۹؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۵۹ و ۱۶۰
۳۹. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۷۷-۴۷۹؛ الفتح القسی فی الفتح اقدس، ص ۱۱۸؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۳۲۴-۳۲۸
۴۰. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۱۹۱-۱۹۷؛ جنگهای صلیبی، منبع ۱، ص ۱۵۷؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۰۱ و ۲۰۱
۴۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۸۳ و ۴۸۴؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۳ و ۳۱
۴۲. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۲۴۴-۲۴۷؛ السلوک لمعرفه دوله الملوک، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ الفتح القسی فی الفتح اقدس، ص ۱۹۲
۴۳. جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۰۹ و ۱۱۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، صص ۴۸۶، ۴۸۷
۴۴. تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۲۷۸-۲۸۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۸۸

Archive of SID

۴۵. النوادر السلطانیة و المحاسن الیوسفیه، ص ۱۹۹؛ تاریخ کامل، ج ۲۳، صص ۲۷۰ و ۲۷۲؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۳، صص ۲۲ - ۲۴؛ السلوک لمعرفة دولة الملوک، ص ۱۰۴
۴۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۹۴؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۴۴ - ۱۴۶؛ ابن اثیر، ج ۲۴، صص ۲۱ - ۲۳
۴۷. ابن اثیر، ج ۲۴، صص ۲۶ - ۳۱، جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۴۷ - ۱۴۹
۴۸. صلاح الدین ایوبی، صص ۴۹۳ - ۴۹۶؛ تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۷۶ - ۷۸؛ ابن اثیر، ج ۲۴، صص ۳۲ - ۳۴
۴۹. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۹۶ و ۴۹۷؛ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۵۳ و ۱۵۴
۵۰. تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۱۶۱ و ۱۶۹
۵۱. تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۲، صص ۹۲ و ۹۳؛ النوادر السلطانیة و المحاسن الیوسفیه، ص ۳۹۱؛ جنگهای صلیبی، منبع ۱، ص ۱۷۴؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ ابن اثیر، ج ۲۴، صص ۶۶ - ۶۹؛ جنگهای صلیبی، ج ۳، صص ۱۶۴ و ۱۶۵

منابع و مأخذ

- ۱- ابراهارد مایر، هانس، جنگهای صلیبی، مترجم عبدالحسین شاهکار، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱
- ۲- ابن آیبک، ابوبکر بن عبدالله، کنز الدرر و جامع الغرر، تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور، جلد هفتم، مکتبه الانجلوالمصریه، قاهره، ۱۹۷۲
- ۳- ابوشامه، عبدالرحمان بن اسماعیل، الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، تحقیق محمد حلمی و محمد احمد، چاپ دوم، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۸ هـ
- ۴- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات، دارالکتب حدیثه، قاهره، ۱۹۶۳
- ۵- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ کامل، مترجم ابوالقاسم حالت، جلد بیست و یکم، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۶۸
- ۶- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن جمال الدین یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره، جلد ششم، چاپ دوم، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۹۷۲
- ۷- ابن خلدون، عبدالرحمان، العبر (تاریخ ابن خلدون) مترجم عبدالمحمد آیتی، جلد چهارم، چاپ اول، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۶۸
- ۸- ابن سباط مغربی، صدق اخبار (تاریخ ابن سباط)، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، جلد اول، انتشارات گروس پرس، طرابلس لبنان، ۱۹۸۴
- ۹- ابن شداد، بهاء الدین ابوالمحاسن یوسف، النوادر السلطانیه و المحاسن الیوسفیه، تحقیق محمد محمود صبح، چاپ دوم، مکتبه دارالنهفه المصریه، ۱۹۶۲
- ۱۰- ابن کثیر، ابولفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، تصحیح احمد ابوملجم، علی نجیب عطوی، فواد سید، مهدی ناصرالدین، علی عبدالساتر، جلد سیزدهم، چاپ سوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ هجری
- ۱۱- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، مفروج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین الشیال، حسنین محمد ربیع، جلد اول، چاپ دوم، مکتبه دارالنهفه المصریه، قاهره، ۱۹۸۶
- ۱۲- اصفهانی، عمادالدین محمد کاتب، الفتح القسی فی الفتح اقدس، تحقیق مصطفی فهمی، چاپ دوم، مطبعه الموسوعات، قاهره، ۱۳۳۱ هجری

- ۱۳- بنداری، فتح بن علی، سناء البرق الشامی، تحقیق فتحیه نبرای، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۹۷۹
- ۱۴- پایزی، راد، کیانفر، محمد علی، دو قرن وحشت، چاپ اول، پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۸
- ۱۵- حکیمی، محمود، فلسطین آزاد می شود، انتشارات مهر، قم، ۱۳۵۴
- ۱۶- ذهبی، شمس الدین، تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، جلد هفدهم، چاپ اول، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۵ هجری
- ۱۷- رانسیمان، استیون، تاریخ جنگهای صلیبی، مترجم منوچهر کاشف، جلد دوم، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
- ۱۸- رشاد، محمد، جنگهای صلیبی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات اندیشه، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۹- سعداوی، نظیرحسان، تاریخ الحربی المصری فی عهدصلاح الدین، مکتبه دار النهضه المصریه، قاهره، ۱۹۵۷
- ۲۰- شاندر، آلبر، صلاح الدین ایوبی، مترجمه محمد قاضی، چاپ اول، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۹
- ۲۱- غوانمه، یوسف حسن درویش، اماره الکرک الایوبیه، انتشارات دارالفکر، عمان اردن، ۱۴۰۲
- ۲۲- گروسه، رنه، تاریخ جنگهای صلیبی، مترجم ولی الله شادان، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران، ۱۳۷۷ هجری شمسی
- ۲۳- لوئی بیثل، تیموتی، جنگهای صلیبی، مترجم سهیل سمی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۵
- ۲۴- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، السلوک لمعرفة دولة الملوک، تحقیق محمد مصطفی زیاده، سعید عبدالفتاح عاشور، جلد اول، مکتبه الدار نهضه المصریه، قاهره، ۱۹۵۸
- ۲۵- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، المواعظ والا اعتبار بذكر الخطط و الآثار، جلد اول، انتشارات دار صادر، بیروت، ۱۹۸۰